

سنگ

صیانت یا خیانت؟

علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی امروز در سخنرانی خود در جمع گروهی از معلمین و پرستاران، به کسانی که به آنچه وی «سلامت» انتخابات خوانده انتقاداتی وارد می‌کنند به شدت حمله کرد. به گفته رهبر جمکران کسانی که سلامت انتخابات را به زیر سؤال می‌برند «حرف دشمن را می‌زنند»! لازم به یادآوری است که دو تن از نامزدهای گروه به اصطلاح «اصلاح‌طلب»، میرحسین موسوی و کروبی دست به تشکیل کمیته‌ای جهت صیانت از آراء زده‌اند. و این کمیته نیز به سرعت از طرف شورای نگهبان غیرقانونی اعلام شده است! اینکه علی خامنه‌ای به خود اجازه می‌دهد، افرادی را متهم به سخنگویی «دشمنان انقلاب» کند، که از شخص وی به روح‌الله خمینی نزدیک‌تر بوده‌اند، و در دوره حیات «رهبر اول» حکومت اسلامی از نزدیکان وی به شمار می‌رفته‌اند، فقط نشان از وحشتی دارد که بر رأس هرم قدرت در حکومت اسلامی حاکم شده.

نخست می‌باید از «رهبر» اوباش‌الله پرسید، اگر همچنانکه وزیر «همه‌فن‌حریف» کشور در کابینه احمدی‌نژاد اذعان دارد، امکان تقلب در این «انتخابات» اصلاً وجود نخواهد داشت، چرا شما بجای چنگ و دندان نشان دادن به «برادران دینی»، از تشکیل کمیته صیانت از آراء استقبال نمی‌کنید؟ مگر اصل اساسی صیانت از آراء مردم نیست؟ در ثانی، آقای خامنه‌ای به صراحت می‌دانند که در این به اصطلاح «انتخابات»، مردم حرفی برای گفتن نخواهند داشت. خلاصه می‌گوئیم، آبی برای ملت گرم نخواهد شد. ما ملت طی سی سال گذشته از این نمایشات «دمکراسی دینی» کم ندیده‌ایم و نتیجه ملموس آن برای ما فقط گسترش هر چه بیشتر سرکوب‌ها، چپاول‌ها و فقر روزافزون بوده. حال می‌باید پرسید، چه شده که در رأس حکومت دست‌نشانده آخوندی، اوباش اینچنین به جان یکدیگر افتاده‌اند؟

نخست می‌باید گفت، تا آنجا که به «احترام به آراء» مربوط می‌شود، آقای خامنه‌ای خودشان از جمله «محترمین» عمده هستند! مگر هم‌ایشان نبودند که دو بار، و هر بار با ۹۹ درصد آراء از صندوق‌های مارگیری جمکران به مقام ریاست جمهوری

۲۹ آوریل ۲۰۰۹





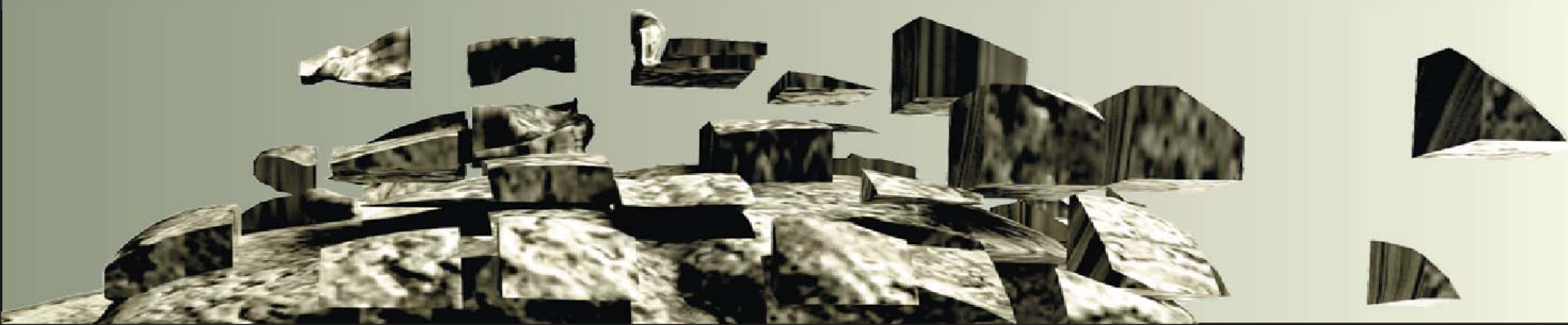
«انتخاب» شدند؟ آنهم در شرایطی که مردم ایران سایهٔ ایشان و دوستانشان را با تیر می‌زدند. این فرد متقلب و خودفروخته که امروز با این وقاحت از «سلامت» انتخابات در جمکران نیز سخن به میان می‌آورد، مسلماً فراموش نکرده که آراء ریاست جمهوری، و تأیید «حکم رهبری» وی از کدام سوراخ به حساباش ریخته شده. بلکه ما مطمئن‌ایم که خامنه‌ای بخوبی می‌داند ۹۹ درصد آراء در انتخابات ریاست جمهوری از کدام فاضل‌آب بیرون می‌آید و از طریق کدام کانال‌ها و محافل استعماری در صندوق‌های متعفن رأی‌گیری جمکران به نام وی خوانده می‌شود. تعجب ما اینجاست که وقاحت این سر‌آخوند تیغ‌کش دیگر از حد فراتر رفته. با این وجود از این حکومت نمی‌باید بیش از این‌ها انتظار داشت؛ آن‌ها که روز ۲۲ بهمن برای برقراری حکومت اسلامی کودتای نظامیان آمریکائی و ساواک آریامهری را با جان و دل پذیرا شدند، بعدها نیز می‌بایست در مسیری پای می‌گذاشتند که همان «قدرت‌سازان» برای‌شان ترسیم کرده بودند، که از قدیم گفته‌اند:

خشت اول چون نهد معمار کج
تا ثریا می‌رود دیوار کج!

البته اربابان آمریکائی حکومت اسلامی راهبندهای مشخصی جهت کنترل نتایج همین به اصطلاح «انتخابات» نیز برای خود پیش‌بینی کرده‌اند. نخست مسئله تأیید صلاحیت «نامزد» انتخابات از جانب شورای نگهبان مطرح می‌شود. می‌دانیم که این به اصطلاح «شورا» و شخص «مقام‌معظم» در یک دور باطل حقوقی دست و پا می‌زنند. به عبارت ساده‌تر، رهبر اعضاء شورا را منصوب می‌کند، شورا هم انتخابات مجلس خبرگان را کنترل می‌کند، مجلسی که می‌باید «رهبر» را برگزیند! این «دورحقوقی» احمقانه یکی از مفتضح‌ترین شاهکارهایی است که حقوقدانان حکومت اسلامی از جمله صدر حاج سیدجوادی به جامعهٔ بشری تقدیم کرده‌اند. به هر تقدیر در چنین «ملغمه‌ای» مشکل می‌توان کسی را بدون تأیید مستقیم شخص خامنه‌ای حتی به مرحلهٔ نامزدی در این «انتخابات» مسخره رساند!

از طرف دیگر، زمانیکه به اصطلاح «آراء ملت» به صندوق‌ها ریخته می‌شود، ریش و قیچی باز هم در دست نمایندگان همین شورای نگهبان و اوباشی خواهد بود که توسط وزارت کشور، سپاه و بسیج تحت عنوان «ناظر» بر صندوق‌ها در انتخابات حرف آخر را می‌زنند. خلاصه آنچه در صندوق ریخته شده، و در اغلب موارد آنچه «ریخته نشده» می‌باید از طرف کسانی مورد «تأیید» قرار گیرد که اعمال و کردارشان طی سی سال اخیر ثابت کرده که خود را برای چندرغاز سر گذر می‌فروشدند. مشتی اوباش، حق حساب‌بگیر، جیب‌بر، لات و لوطی محل، باج‌گیر و قاپ‌انداز، «ناظران» حکومت اسلامی بر صندوق‌ها هستند! این صندوق‌ها در چنین شرایطی «مهر و موم» می‌شود، و معلوم نیست که محتوای آن، هر چه هست کی و چگونه قرائت خواهد شد!

چرا که داستان «قرائت آراء»، حکایت شیرین و کاملاً جداگانه‌ای است. معمولاً صندوق‌هایی که توسط «اوباش» مهر و موم می‌شود، همان صندوق‌ها نیست که



بعدها آراء درون‌شان را مشتی کارمند دون‌پایه، شمارش خواهند کرد. می‌دانیم که یکی از رموز ترقی و پیشرفت «دمکراسی پارلمانی» در ایران، رسم مرضیه «نگارش» آراء و پرکردن صندوق‌ها پیش از روز انتخابات است! در این روند بسیار دینی و رایج، صندوق‌ها را با آرای نامزدهائی مشخص پیش از روز انتخابات پر می‌کنند. سپس صندوق‌های مهر و موم شده در حوزه‌ها سر به نیست می‌شود، و روز شمارش آراء «صندوق‌های مهر و موم» شده‌ای را می‌گشایند، که قبلاً با نام‌های مشخص پر کرده‌اند! کارمندان بیچاره وزارت کشور نیز در هر صندوق همان آرائی را خواهند دید که پیش از انتخابات صندوق‌ها با آن پر شده! این روند «مصلحت‌آمیز» آنقدر در حکومت آریامهری ریشه گرفته بود که حتی برای صرفه‌جویی در وقت از کاغذ «کاربن» برای کپی زدن نام نامزدها استفاده می‌شد! و در کمال تأسف پس از کودتای ۲۲ بهمن این روند در ایران نه تنها مرسوم باقی مانده که گسترش نیز یافته.

با این وجود، علیرغم اطلاع تمامی نامزدهای ریاست جمهوری جمکران از روندهائی که در بالا به آن اشاره شد، یادمان نرفته که در همین «انتخابات» اخیر، شخص کروی به دلیل آنچه تقلب گسترده در این انتخابات می‌خواند، دست به نامه‌نگاری و شکایت رسمی از وزارت کشور و بسیج و ... زد! شکایاتی که عملاً با دخالت شخص خامنه‌ای و «وقوق حکومتی» مقام معظم که به آن «حکم حکومتی» هم می‌گویند، به دست فراموشی سپرده شد. حال با چنین «پیشینه‌ای»، می‌باید دید که اولاً ادعای «صیانت از آراء» که کروی و موسوی به آن دامن می‌زنند چه صیغه‌ای است؟ و چرا بعضی نامزدها با علم به اینکه این «انتخابات» از آغاز تا پایان فقط یک شبیه‌سازی گسترده است، سعی دارند با تشکیل کمیته‌هائی در برابر این «تقلب‌های» فرضی قد علم کنند! به هر تقدیر ادعای علی خامنه‌ای در اینکه در این «انتخابات» از آراء مردم صیانت خواهد شد، کلاهی است که برای کله کچل وی بیش از اندازه گشاد می‌نماید.

حال که ابعاد گسترده «حسن نیت» مقامات جمکران را از نزدیک ملاحظه کردیم، بهتر است نگاهی به ریشه‌های این حکومت شترگاوپلنگ نیز داشته باشیم. این حکومت از نخستین روزهای شکل‌گیری خود را در تضادی بنیادین با افکار عمومی و ملت ایران قرار داده. دلیل نیز روشن بود، برنامه اصلی فراهم آوردن پشت جبهه جنگ افغانستان بوده، و اسلام و اسلام‌بازی نیز بهانه‌ای جهت سرکوب فراگیر ملت! بی‌دلیل نیست که این به اصطلاح «اسلام» در هیچ زمینه‌ای گامی مثبت برای حل و فصل مسائل کشور برنداشته. با این وجود، روند حضور حکومت دست‌نشانده اسلامی با پدیده‌ای به نام انتخابات عجین شده است! و طی یک پروسه گسترده، این حکومت که اصولاً کاری با افکار عمومی ندارد، خود را به دلائلی مجبور می‌بیند که مرتباً نمایشاتی تحت عنوان «انتخابات» به راه بیاندازد.

برنامه گسترده «انتخابات» در این حکومت بیشتر یک ویت‌ترین نفرت‌انگیز جهت توجیه موجودیت حاکمیتی است که از روز نخست برای سرکوب و چپاول ملت

ایران برقرار شده. اربابان آمریکائی این حکومت نیازمند برگزاری «انتخابات» هستند تا به جهانیان «ثابت» کنند که این تشکیلات مفتضح و ضدبشری فاصله چندانی با اعتقادات مردم و افکار عمومی در ایران ندارد! این دروغ بزرگ و وقیحانه در شرایطی به خورد جهانیان داده می‌شود که میلیون‌ها ایرانی از کشور فرار کرده و یا با دستمایه‌هائی بسیار اندک کشور را به قصد دیگر مناطق جهان ترک نموده‌اند. آنچه در ایران می‌گذرد درست مثل این است که فردا مشتی نژادپرست را در کاخ سفید به قدرت برسانند، و جهت اجراء احکام نژادپرستانه دست به انتخابات نمایشی هم بزنند، تا به افکار عمومی در جهان «ثابت» کنند که مردم آمریکا طرفدار همین نژادپرستان‌اند. این همان پروسه‌ای است که توسط اوباش وابسته به آمریکا اینک سه دهه است در کشور ایران به راه افتاده. پروسه‌ای که بر اساس آن یک نظریه کاملاً ساختگی تبدیل به یک جریان واقعی سیاسی در کشور می‌شود.

ملت ایران نمی‌باید خود را در حد یک بازیگر در میدان کارگزاران استعمار به خفت بکشاند، در چنین میانه‌های ملت فقط «بازی» خواهد خورد. این حکومت که بر پایه نیازهای استراتژیک، نفتی و نظامی ایالات متحد بر کشورمان حاکم شده نماینده ملت ایران نبوده، نیست و نخواهد بود! این اصل کلی را نمی‌باید هیچگاه فراموش کرد. کمیته‌های به اصطلاح «صیانت از آراء» که امروز توسط اوباشی از قبیل میرحسین موسوی و کروی افتتاح می‌شود، به همان اندازه مسخره است که «غرش‌های» احمقانه مقام معظم و ادعای وی در باره صیانت از آراء مردم در کشور! آقای میرحسین موسوی زمانیکه نخست وزیر حضرت امام‌شان بودند خودشان در چارچوب همان روندی که پیشتر تشریح کردیم، دوبار علی خامنه‌ای را با ۹۹ درصد آراء از صندوق‌ها به نام رئیس جمهور بیرون کشیده‌اند، حداقل ایشان خیلی خوب می‌دانند که «انتخابات» در این حکومت چه معنائی دارد!

تنها جواب مناسبی که ملت ایران می‌تواند به فغان و فریاد محافل استعماری بدهد، عدم شرکت در نمایش مهوع «انتخابات» جمکران است. اگر این حکومت به افکار عمومی احترام می‌گذارد می‌باید نخست زمینه تبادل آراء و افکار، یعنی آزادی مطبوعات، آزادی تشکل‌های سیاسی، آزادی فضای مجازی، و ... را تأمین کند. در شرایطی که کشور را در خفقان سیاسی قرار داده‌اند، انتخابات همان است که آمریکائی‌ها می‌خواهند؛ معرفی ملت ایران در مقام پادو و دوستدار آخوند و پاسدار! آنان که، چه در خارج از مرزها و چه در درون کشور، خود را سخنگویان این «انتخابات» معرفی می‌کنند، مشتی خودفروخته بیش نیستند. این افراد به صراحت می‌دانند که چه بلائی بر سر مردم می‌آورند، ولی چه کنند که «مأمورند و معذور»!

